تفکیک بین مخالفت با ارتکاز با مخالفت با مانوسات؛ هلال ماه رجب ۱۴۴۶

(11:55)

شاگرد۳: تبعّض آن‌ها خلاف ارتکاز نیست؟ یعنی ارتکاز این بوده که وقتی ماه رمضان با هلال تنظیم می‌شود، بعد بگوییم یک سری از امور با هلال تنظیم بشود و امور دیگر با نصف النهار دحو الارض، این خلاف ارتکاز نیست؟

استاد: مسأله ارتکاز را ایشان هم فرموده‌اند. بحث ما هم همین‌ها است. ایشان توضیح داده‌اند که این جور مشی کردن خلاف ارتکاز است. بعد هم گفته اند: «علی ای حال خروج از تحت‌الشعاع را هر کاری کنیم مستقیماً با رؤیت و قابلیت رؤیت در ارتباط است. و قابلیت رؤیت مربوط به انسان‌ها است و انسان‌ها در بقاعی هستند که هر کدام طول و عرض جغرافیایی خاص دارند».

در مسأله ارتکاز و خلاف ارتکاز، من حرفی ندارم. مکرر هم عرض کرده‌ام؛ هر مباحثه‌ای که تمام شد، اگر خروجی آن مباحثه را وقتی بیرون می‌روید می‌بینید یک چیزهایی است که خلاف ارتکاز عقلائیه و شرعیه است. وقتی به این صورت تلقی کردید باید در آن مباحثه شک کنید. بلکه اصلاً اعتنا نکنید. اما صحبت سر این است که باید این ارتکازیات معلوم بشود. ارتکاز شرعی و عقلائیه‌ی صاحب مبنا باشد. خیلی از ارتکازات هست که از مانوسات است. مانوسات غیر از ارتکازیات است. به‌خصوص در مسائل خاص.

جالب بود؛ همین دیروز بود که خبرها را مرور می‌کردم. یک خبر آمده بود مربوط به اول سال میلادی. نوشته بود هواپیمایی در سال دو هزار و بیست و پنج از زمین بلند شد و در سال دو هزار و بیست و چهار به زمین نشست. این موافق ارتکاز است؟ عقلاء می‌گویند این یعنی چه؟! هواپیمایی در تاریخ دو هزار و بیست و پنج از هنگ کنگ بلند شد...! در خبرها هم آمده است. همه هم به دنبالش می‌روند که چه شد! زمان برگشت؟! هواپیمایی در سال دو هزار و بیست و پنج از هنگ کنگ بلند شد و در لس آنجلس آمریکا در سال دوهزار و بیست و چهار نشست. خب این موافق ارتکاز هست یا نیست؟ همه جا مدام بگوییم ارتکاز؟! این خلاف مانوسات ما است. اینجا نمی‌توان ارتکاز را گفت. بالاتر از ارتکاز است؛ واضح است که زمانبر نمی گردد. چطور می‌شود دو هزار و [بیست و]پنج باشد، بعد یک کاری هم انجام بدهد و دوباره به دو هزار و بیست و چهار برگردد؟! اینجا جای این نیست که بگوییم ارتکاز است، واضحات است! اینجا موضوع غامضی هست؛ باید برویم ببینیم چطور شد؟ چه می‌شود؟ لذا من کاملاً ارتکاز را قبول دارم. ما هر کجا از ارتکاز اصیل فاصله گرفتیم برمی‌گردیم به آن جا.

شاگرد: مرادتان از ارتکاز اصیل چیست؟استاد: من فرمایشات آقایان را بخوانم. قبل از اینکه آن ارتکاز را بخوانم، این را عرض کنم. ایشان فرمودند: خروج از تحت‌الشعاع را هر کاری کنیم مستقیماً با رؤیت ای قابلیت رؤیت در ارتباط است. خب من می‌خواستم تذکر بدهم، ولی وقتی

ایشان این نکته را ارسال کردند دیدم انگیزه من برای این، مضاعف شد که حتماً عرض کنم.

ببینید مباحثه ما به بحث کسوف رفت؛ خواستیم تمامش کنیم. از برکات ماه جمادی الاولی این بود که دوباره مباحث خیلی خوبی مطرح شد. بهخاطر اینکه هلال ماه جمادی الاولی اختصاصی بود؛ قمر در میل جنوبی بود، اهلال هلال خیلی صاف و روشن شده بود، در ایران و در نیمکره شمالی حتی با تلسکوپ ندیدند. این برای من جالب بود. قبل از اینکه ایشان بگویند میخواستم در مباحثه بگویم، بعد دیدم ایشان هم گفته اند تأکید میکنم. باز همین هلال ماه رجب را نگاه کنید. نقشه هلال ماه رجب را که دو روز پیش بود نگاه کنید. از جهاتی از نقشه هلال ماه جمادی الاولی بهتر است. چرا؟ بهخاطر اینکه این نقشه خیلی قشنگ نشان میدهد که حتی یمن، زیر یمن، تا مقداری از زیر خلیج عدن همه با تلسکوپ دیده نمیشود. چه زمانی؟ شب چهارشنبه. شب پنج شنبه که برای ما اول ماه بود بهراحتی دیده شد. شب دوم و سوم ماه خیلی بزرگ بود. ولی شب چهارشنبه اهلال هلال شده بود اما چون هلال در نیمکره جنوبی بود و عرض جنوبی داشت، حتی تا خلیج عدن، در عربستان و یمن، هم با تلسکوپ هم نمیتوانستند ببینند. این نقشه بهوضوح این را میگوید. وحال اینکه هلال از بخش دال که فقط تلسکوپ است در شده و به بخش جیم و باء آمده است. یعنی وارد بخشی میشود که با تلسکوپ پیدا میکنند تا با چشم عادی ببینند، و در بخش باء که اگر شرائط فراهم باشد میتوانند ببینند. همه قبول دارند. اگر ایشان حرف ما را شنیدند، تا امروز نظرشان را بگویند خیلی خوب است. فردا در مباحثه فرمایش ایشان را مطرح میکنم.

علی ای حال برای راه افتادن بحث، باید یادداشت کنیم که شروع بحث مهم است. اگر اینها را دست کم بگیری، بعداً بحثها مخلوط بشود با مشکل مواجه میشوید. خلاصه ما یک نقطه شروعی میخواهیم. ایشان میفرمایند چراهای از نوعیت نیست. خیلی خب! شما گفتید در زوال دحو الارض، که بعد از ظهر پاکستان است! بر فرض دوّم ایشان که با انشاء طولی جلو رفتیم، اینجاها ارتکاز جلو میآید. در مانحن فیه ارتکاز چیست؟ الآن همین هلال ماه رجب را ببینید؛ اگر شکل را دیدید، برای اینکه خوب به ذهنتان بیایید این نقشه هلال ماه رجبی که در دی ماه صورت گرفته، فرض بگیرید این هلال ماه رجب اول مهرماه بود. جلوتر گفتیم اگر اول مهرماه بود این خطهای[صورتی،] قرمز و زرد، صاف میشد. میخواهیم بحث روشنتر بشود تا منّاقشات بیرونی نشود. در فرض روشنش جلو برویم تا به بعد برسیم.

الآن این نقشه هلال ماه رجب است و فرض گرفتیم اول مهرماه، در اعتدال [خریفی] است یا اول فروردین است که در اعتدال [ربیعی] است. سؤال که برای ما مطرح میشود، این است: ما که در نیمکره شمالی هستیم، حتی تا یمن با تلسکوپ هم نمیتوانند هلال را ببینند، اما همین لحظه غروب ما –من قبل از ظهر یا بعد از ظهر یا دو ساعت دیگر- که ما نمیتوانیم با تلسکوپ ببینیم اگر به جزیره موریس –که آن ملعون را تبعید کردند- برویم، اصلاً نیازی به تلسکوپ نیست و با چشم عادی میبینیم. این را چرا عرض میکنم؟

میخواهم موارد شبهه انگیز را حذف کنیم؛ این نقشه رؤیت هلال است؛ لحظه غروب ما در نیمکره شمالی که بهیچوجه با تلسکوپ هم نمیبینیم، همین لحظه کسی با موبایل میتواند تماس بگیرد و بگوید این هلال است. همین لحظه غروب ما است. امشب که الآن ما با آنها شریک هستیم، یک شب است یا دو شب است؟ شخص و نوع است، میگویید دو شب است! برای آنهایی که در نیمکره جنوبی هستند برای خودشان یک شب است که شب اول ماه است. برای ما که با تلسکوپ ندیدیم شب سی ام ماه جمادی الثانی است! آخه ارتکاز این را میپذیرد؟! یک شب است؛ الآن لحظه غروب ما است؛ همین لحظه آن جا هم دارد غروب میکند، شما میگویید دو شب است! این خلاف ارتکاز نیست؟! برای اینکه نوعیت زیر سؤال برود باید از نقاط اصلی شروع کنیم تا به بعدش برویم. الآن شما باید در اینجا جواب بدهید. عرض هم کردم که اگر جواب بدهند، فردا میگویم.

شاگرد: یک شب است با دو حکم. دو شب اعتباری است. یک شب بودنش که یک شب است.

استاد: خب اگر یک شب است، نوعی است ای یک شب است؟ یک شب دو تا حکم دارد؟! ارتکاز موافق است؟! یعنی امشب هم شب اول ماه است و هم شخص همین امشب شب اول ماه مبارک نیست!

شاگرد: قرار شد شخصی نباشد. نوعی میشود یعنی دو حکم برای دو نقطه.

استاد: خلاصه یک شب است ای دو شب است؟

شاگرد: یک شب است.

استاد: خب یک شب، دو نوع است؟ دو چیز است؟

شاگرد: در احکام به این صورت است. به دی مُعتبر است. در اینجا میتواند یک شب را به دو لحاظ، دو شب اعتبار کند.

استاد: صحبت از ارتکاز است. مکرّر گفتم محال نیست. الآن دارند میگویند. الآن اختلاف فتوایی که بین مراجع هست، چیست؟ کسانی که قائل به تلسکوپ هم هستند، به این قائل نیستند که چهارشنبه اول ماه رجب باشد. چرا؟ چون میگویند بهطور قطع در ایران با تلسکوپ هم دیده نمیشود. پس چطور میخواهید چهارشنبه اول رجب باشد؟! آنها هم این را میگویند. چه کسانی میگویند؟ اختلاف فتوا هست. کسانی میگویند که اشتراک افق برایشان شرط نیست، آنها خیلی راحت میگویند آن جا که دارند میبینند، پس امروز شب اول است. پس محال نیست. من نمیخواهم بگویم محال است. صحبت سر ارتکاز است. ارتکاز متدینین در این است که امشب که به فرمایش شما یک شخص شب است، ارتکاز می گوید: آن جا همین شب شخصی اول است و همین شب برای ما نیست. این ارتکاز هست یا نیست؟! اگر باشد من حرفی ندارم.

شاگرد: وقتی هواپیما در سال دو هزار و پنج بلند میشود و در دوهزار و چهار می نشیند، این فضا خیلی دور از ارتکاز نیست. یعنی همه اینها مأنوسات میشود.

استاد: اگر منظور از مأنوسات، محال است، درست است؛ هواپیما خلاف مانوس ما است. اما وقتی ارتکاز متشرعه از ادله اثباتیه شرعیه را میگوییم، این فرق میکند. ببینید ارتکاز از ادله شرعیه ای که متشرعه با آن مأنوس هستند، غیر از استحاله است. یعنی متشرعه وقتی میگویند امشب غروب میکند و امشب اول ماه مبارک است و «غلّت مردة الشیاطین» میآید و اینها . جالبترش این است: همین نقشه ماه رجب را فرض بگیرید برای ماه مبارک باشد؛ شما برای شب قدر چه میگویید؟ ارتکاز متشرعه؛ میگویید الآن شب بیست و دوم قم است، چرا؟ چون ما که اول ماه را حتی با تلسکوپ هم ندیدیم. اما برای کسانی که لحظه غروبشان با ما یکی است، شب قدر است. نزول ملائکه است. این محال که نیست. اما خلاف ارتکاز متشرعه که از تلقی از ادله شرعیه است، هست یا نیست؟ یعنی الآن لحظه غروب است... .

شاگرد: به نظر میآید که خلاف ارتکاز نیست.

استاد: من حرفی ندارم.

شاگرد: شما نظر به لیلة القدر میکنید اما از این طرف هم احکامی که مربوط به بقاع است و متشرعه لحاظ می کنند، متفاوت میشود. یعنی جمعبندی آن خلاف ارتکاز نیست.

استاد: یعنی در لحظه غروب ما، هم شب قدر آغاز شده و هم نشده؟

شاگرد: به لحاظ بقاع بله.

شاگرد۲: به لحاظ بقاع یعنی شهر حرام شده و کسی که قتل انجام داده باید دیه دوبرابر بدهد، ولی جایی که حتی با تلسکوپ هم ندیده اند نباید دیه دوبرابر بدهد؟

استاد: فرمایش اینها تا آخر میرود. یعنی اگر نیم کره جنوبی بوده شهر حرام شده، اگر در نیم کره شمالی بوده شهر حرام نشده است. دیه آن هم مناسب بقعه ای از آن است.

شاگرد: اگر هواپیما در این وسط میرود و کشتن کسی طول کشید! چطور؟

استاد: همه اینها جواب دارد.

شاگرد۳: در همین مثالی که شما فرمودید که الآن شب یک شنبه است، در نیم کره جنوبی میبینند ولی ما نمیبینیم. خب اگر بخواهیم نوعی بگیریم یک دلیل داشتیم که اگر به شما خبر رسید که روز قبل دیدهاند؛ یعنی ما عملاً شب دوشنبه میبینیم، شب یک شنبه خبری از جنوب کره زمین میرسد که آنها دیدهاند، حضرت فرمودند قضا کنید. اینها می خواهند این ادله را کنار بگذارند؟ عرض من این است که شما ارتکاز متشرعه را میفرمایید، این هم موافق شما است. اینکه وقتی مجموع ادله را ببینیم موافق ارتکاز است. اگر با انس ذهنی بخواهیم بخشی از آن را کنار بگذاریم، خب معلوم است که موافق نیست. ولی اگر همه آنها را با هم ببینیم به نظرم خلاف ارتکاز نمیشود. بلکه فرمایش ایشان خلاف ارتکاز میشود. چون اگر آن خلاف ارتکاز را بپذیریم مجبوریم ادله را تقسیم کنیم. بگوییم آنها را عمل میکنیم و به ادله دیگر عمل نمیکنیم.

شاگرد: اینکه فرمودید اینجا ماه رمضان باشد و آن جا نباشد، به تنهایی خلاف ارتکاز هست اما وقتی طبق این صبغه ذهنی خود بگوییم ماه رمضان باید براساس رؤیت منطقهای شکل بگیرد، مجموعاً ذهن انسان کسر و انکسار میکند، اگر زوز یک طرف بچرب باید آن را به‌عنوان ارتکازش بپذیرد و به لوازمش هم ملتزم بشود.

شاگرد۲: این کسر و انکساری که میفرمایند بدون در نظر گرفتن انشائات طولی است. یعنی همه را در عرض می بینیم و باید کسر و انکسار کنیم ولی اگر طبق انشاء طولی باشد هر کدام را باید در رتبه خودش ببینیم.

استاد: بله، ببینید من الآن نقشه ماه رجب را آوردهام. و الا همین ارتکازی که الآن برای اینجا گفتم، قبلاً برای کاشان و قم هم مطرح کردهام. آن جا چه میفرمایید؟ باالدقة العلمیه شما میفرمایید حتی در قم با تلسکوپ هم دیده نمیشود، ولی در کاشان بالدقه با تلسکوپ دیده میشود. چون عرضش کمتر است. ای آن طرف بیایید، در قم با تلسکوپ دیده میشود اما در کاشان با تلسکوپ آن را پیدا میکنید و بعد با چشم میبینید. ولی این در قم ممکن نیست. الآن چه میگویید؟ ماه حرام او با ماه حرام ما چطور میشود؟ شب قدر کاشان با شب قدر قم چطور میشود؟ ارتکاز چیست؟ هیچ تفاوتی با این عرض من ندارد. یعنی الآن که لحظه غروب هر دو بلد است، قاطع هستیم که در قم با چشم عادی دیده نمیشود مگر با تلسکوپ. اما در کاشان همین لحظه چون عرضش کمتر است بالدقه آن را پیدا میکنند و میبینند. ارتکاز چیست؟

لذا اینکه راههای حذفی را میگفتم، برای همین بود. راههای حذفی یعنی جایی که میگویید ارتکاز منافاتی ندارد، محدوده تنگتر میشود تا جایی میرسید که حتی در یک نقطه است. من آنها را آوردم. من تکرار نمیکنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژانویه 2026 12:25:13 توسط ... .

به روزرسانی شده 22 ژانویه 2026 12:41:25 توسط ... .